

## ششمین دوره انتخابات پارلمانی دولت ایالتی کردستان برگزار گردید

روز یکشنبه ۲۹ مهر ششمین دوره انتخابات پارلمان کردستان برگزار گردید. در این انتخابات نخست نیروی پیشمهرگه، وزارت داخلی و مراکز و نهادهای امنیتی بر صندوق‌های رای حاضر شدند و رای خود را به کاندید و احزاب منتخب خود به صندوق انداختند. در این انتخابات همه اقوام و اقلیت‌ها از جمله آشوری‌ها، تورکمن و ... نیز کاندید مشخص خود را داشتند. بر اساس گزارش کمیسیون عالی مستقل انتخابات عراق ۱۷ مرکز و نهاد بین المللی و ۱۳ کنسولگری کشورهای خارجی ناظر بر انتخابات مذکور بودند. بیش از ۱۷۰۰ ناظر بین المللی، ۱۰۹ خبرنگار از ۲۲ رسانه جهانی، ۵۳ جریان سیاسی و نمایندگان ۹۸ سازمان داخلی حکومت کردستان بر صندوق‌های رای نظاره‌گر این پروسه دمکراتیک بوده‌اند.

## دوره‌گردی منطقه‌ای بی نتیجه عباس عراقچی

### آخرین حرکات مذبوحانه سر مار برای جلوگیری از جنگ مستقیم با اسرائیل



## در انتظار جنگی غیره منتظره

ایران بیش از هر زمانی دیگر گوش به صدای موشک و جت‌های جنگی هستند. جنگی که جنگ آنان نیست و نمی‌خواهند هم بخشی از این جنگ باشند و به رژیم ایران هم اجازه ندهند داد به عنوان سپر از آنان استفاده کند

بالای ۵۵ میلیون رسیده است. ۸۰ روز از انتصاب پزشکیان به عنوان رئیس جمهور نگذشته است که دوری تازه از تحریم‌ها علیه ایران به تصویب رسیده است و در این وضعیت بودجه کشور ۸۵۰ هزار میلیارد تومان کسری دارد. با این حال ثروت و دارایی کشور برای درست کردن موشک و پهپاد هزینه می‌شود که از لبنان، عراق، غزه و یمن به سوی اسرائیل شلیک می‌شود. مردم

رژیم ایران است. اما این استراتژی اکنون رژیم را متوجه خطر سقوط ساخته است مردم ایران تاکنون گروگان و سپر انسانی رژیم ایران بودند. هزینه جنگ‌افروزی و بحران آفرینی سپاه پاسداران از جیب آنان بوده است و این نیز موجب فقر، بیکاری و تورم اقتصادی شده است. هنوز گلوله‌ای به سمت ایران شلیک نشده است اما ارزش هر دلار از ۶۴ هزار تومان گذشته است و نرخ هر سکه طلا به

با دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه گروه و دسته‌های مختلفی برای جنگ‌های نیابتی سازمان داد و از ثروت عمومی مردم جغرافیای ایران آنان را مسلح و تأمین نمود؛ از لبنان تا یمن، از عراق تا سوریه و از غزه تا بحرین، تا سطحی که قاسم سلیمانی به عنوان مهندس این استراتژی هیجان زده شده بود که پایتخت و مرکز تصمیم‌گیری چند کشور عربی در دست

در انتظار جنگی غیره منتظره چهار دهه دخالت رژیم جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی کشورهای خاورمیانه، سیاست صدور انقلاب، جنگ افروزی و شبه‌نظامی سازی برای جنگ‌های نیابتی؛ اکنون شعله‌های جنگی مستقیم به آسمان ایران رسیده است. جنگی که رژیم ایران مسئول نخست آن است طی همه این سال‌ها گذشته سپاه پاسداران با استراتژی ایجاد "محور مقاومت"

روای ثبات یا کابوس جنگ: تغییرات ژئوپولیتیک در خاورمیانه ایران و اسرائیل را به کدام سمت می‌برد؟

حسام احمدی

۸

دکتر منصور سهرابی: سیاست‌های جمهوری اسلامی در کردستان ضد توسعه

مصاحبه: شهرام سبحانی

۶

ژئوپولیتیک و استراتژی؛ زمینه‌های تقابل میان ایران و اسرائیل

شاهو حسینی

۴

چرا ملی‌گرای ایرانی قبل از اینکه برانداز باشد، خواهان حفظ سیستم متمرکز است

ساسان خاتونی

۳

اخبار جعلی سلاح استراتژیک رژیم‌های توتالیتر

آزاد مستوفی

۲



# اطلاعیه در رابطه با نشست رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران



در نشست رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران تازه‌ترین تحولات سیاسی کوردستان، ایران و منطقه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بر این امر تأکید شد که جمهوری اسلامی ایران با وجود بیش از چهار دهه بحران آفرینی و برهم زدن ثبات خاورمیانه، ضعیف‌تر از هر زمانی بوده و هم در داخل و هم در میان جامعه جهانی با بزرگترین بحران مشروعیت سیاسی مواجه است.

نشست رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران روز دوشنبه ۱۶ مهر ماه، با حضور اکثریت اعضای رهبری و به منظور تحلیل و بررسی اوضاع سیاسی ایران و منطقه و نیز تأثیر این شرایط بر مبارزه و فعالیت خلقهای ایران و جنبش سیاسی کوردستان برگزار گردید.

این نشست با گرامیداشت یاد شهدای حزب دمکرات و مبارزه حق‌طلبانه کورد در ایران آغاز شد. سپس آقای مصطفی هجری، مسئول مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران خوانش و تحلیل مرکز اجرایی حزب در خصوص تازه‌ترین تحولات سیاسی و دیدگاه و سیاست حزب دمکرات در رابطه با رخدادها و پیشامدهای سیاسی روز را توضیح داد. در بخشهای بعدی جلسه، اعضای رهبری نقطه‌نظرات و استنتاج خویش را در مورد مباحث طرح شده ارائه داده و مرکز اجرایی حزب را در رابطه با مجموعه وظایف و مسئولیتهایی در این رابطه مکلف ساختند.

رهبری حزب دمکرات با تحلیل جنگ تازه منطقه که سال گذشته با حمله‌ی حماس به اسرائیل آغاز شد و حال وارد دومین سال خود شده است، معتقد بود جمهوری اسلامی ایران که محرک و بانی این جنگ بوده، تصور نمی‌کرد که چنین پیامدهای سنگینی برای آن به همراه داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران طی یکسال گذشته از طریق نیروهای نیابتی خویش و نیز با دو بار حمله موشکی به اسرائیل به شیوه مستقیم در این جنگ شرکت کرده است. جنگی که طی آن مشروعیت و جایگاه سیاسی جمهوری اسلامی در جامعه جهانی بیش از پیش زیر سؤال رفت و اکنون بیش از گذشته خطر بزرگی برای جامعه جهانی بشمار می‌رود. جنگی که نه تنها جنگ خلقهای ایران نیست، بلکه حتی به کشور ایران نیز ربطی ندارد، لیکن جمهوری اسلامی ایران در این جنگ از سوی ثروت و دارایی دهها ساله‌ی کشور را در جهت جنگ افروزی، تروریسم دولتی و تجهیز گسترده گروههای نیابتی هزینه کرده و از دگر سو مردم ایران را در راستای عقاید ایدئولوژیکی خویش به گروگان گرفته است. جنگی که رژیم در کلیت خویش بازنده آن می‌باشد، اما از منظر هوشیاری سیاسی و همبستگی اپوزیسیون رژیم می‌تواند به نفع جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه‌ی خلقهای ایران تمام شود.

رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران در این بخش از تحلیل و ارزیابی خود بر این باور بود که اگر اپوزیسیون جمهوری اسلامی در این مرحله هوشیارانه‌تر و آماده‌تر از گذشته عمل نماید، اگر بر مبنای گفتمان مشترک جهت گذار از جمهوری اسلامی و بنیان نهادن ایران آینده به شیوه‌ای جدیدتر برای تشکیل آلترناتیوی علیه رژیم تلاش بعمل آورد و نیز بتواند توان و پتانسیل مبارزاتی همه جریانها را علیه رژیم بسیج نماید، در این شرایط دستاوردهای بسیار و ارزشمندی را به سود مبارزه خلق‌طلبانه خلقهای ایران تضمین خواهد کرد.

جلسه‌ی رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران با توجه به تجارب گذشته عقب‌نشینی رژیم در مواقعی که تحت فشارهای خارجی به تنگنا افتاده و در ادامه سیاستهای ایدئولوژیکی خویش ناتوان و درمانده می‌شود [نظیر سرکشیدن جام زهر از سوی خمینی و گردن نهادن به توقف جنگ با عراق، یا عقب نشینی خامنه‌ای در توافق برجام و نرمش قهرمانانه‌ی رژیم!]، شرایط حاضر را به سود پیشبرد مبارزه حق‌طلبانه‌ی خلقهای ایران در داخل کشور ارزیابی کرد. در همین رابطه نیز تلاش جهت اعتمادسازی و اتحاد و همبستگی بیشتر ملیتها در ایران و اقدامات عملی بیشتر اپوزیسیون و جریانهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی را وظیفه همه و ضرورت مبرم مبارزه و فعالیت سیاسی در شرایط حاضر توصیف گردید.

جلسه‌ی رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران پس از تجزیه و تحلیل چند موضوع مربوط به روند تلاش و مبارزه سیاسی در کوردستان ایران و مورد بحث قرار دادن مجموعه مسائل داخلی و درون تشکیلاتی حزب، به کار خود پایان داد.

**حزب دمکرات کوردستان ایران**  
مرکز اجرایی  
۱۷ مهرماه ۱۴۰۳

# اخبار جعلی سلاح استراتژیک رژیم‌های توتالیتر



آزاد مستوفی

یا بهتر بگویم خلق و بحران آفرینی میکند. برای مثال، یک رژیم ممکن است ادعا کند که قدرت‌های خارجی علیه کشور توطئه میکنند یا جنبش‌های مخالف تروریست هستند. هدف از این داستانها ترساندن مردم به تبعیت و حمایت از اقدامات خشن دولت و سرکوب نهادهای مدنی و حرکت های اعتراضی مردمی است. رژیم‌های توتالیتر با ایجاد این روایت غلط، شهروندان را از دیدگاه‌های بیرونی منزوی میکنند و تفکر انتقادی را محدود میکنند. رسانه‌های کنترل‌شده تنها منبع حقیقت می‌شوند و به چالش کشیدن یا زیر سؤال بردن اقدامات رژیم برای افراد دشوار میشوند.

3. تفرقه‌اندازی در میان اپوزیسیون اخبار جعلی با بی اعتبار کردن صداهای مخالف و خاموش کردن منتقدان، نقش مهمی در خنثی کردن آنان ایفا میکند. رژیم‌های توتالیتر درک میکنند که تفکر مستقل و مقاومت سازمان یافته تهدیدی برای قدرت آنهاست. بنابراین، آنها از اخبار جعلی برای این موارد استفاده میکنند: فعالان، مخالفان سیاسی و روزنامه نگاران مستقل را دچار چالش کنند و با فریب، وجهه آنان را مخدوش کنند. رژیم توتالیتر با ساخت داستان‌های جعلی چهره اپوزیسیون واقعی را به دست داشتن در فعالیت‌های غیرقانونی یا همکاری با دشمنان خارجی متهم میکنند که در نهایت امر از حمایت عمومی آنها نزد طرفدارانشان و مخالفان سیاستهای دولت میکاهد. یکی دیگر از اهداف اخبار جعلی ایجاد تفرقه در گروه‌های مخالف سیاسی است.

رژیم توتالیتر با انتشار اطلاعات نادرست در مورد جناحهای مخالف، سردرگمی و بی اعتمادی را در بین کسانی که به دنبال مقاومت در برابر رژیم هستند، ایجاد میکند و بدون شک از مشارکت عمومی گسترده در اعتراضات یا جنبشهای مخالف جلوگیری میکند. رژیم توتالیتر وقتی بتواند از طریق اطلاعات غلط و اخبار جعلی مردم را بفریباند که مخالفان جنایتکاران خشن یا عوامل خارجی هستند، مردم هم کمتر از اپوزیسیون حمایت میکنند یا به آرمان آنها میپیوندند. در اصل، این رژیم‌ها با کنترل روایت و شکل دادن به درک شهروندان از گروه‌های مخالف، از شکل‌گیری مقاومت سازمان‌یافته جلوگیری میکنند و بقای دراز مدت خود را تضمین میکنند. رژیم‌های توتالیتر از اخبار جعلی نه تنها به عنوان یک تاکتیک، بلکه به عنوان یک سلاح استراتژیک برای کنترل نحوه تفکر مردم، درک دولت خود، و نگاه به جهان پیرامون خود استفاده میکنند. آنها با دستکاری اطلاعات، کنترل خود را بر قدرت حفظ میکنند، محیطی پر از سردرگمی و ترس ایجاد میکنند و به طور سیستماتیک مخالفان را سرکوب میکنند.

چندین دلیل کلیدی وجود دارد که چرا رژیم‌های توتالیتر به انتشار اخبار جعلی متوسل می‌شوند:

## 1. کنترل اطلاعات

رژیم‌های توتالیتر بدنبال انحصار اطلاعات در جامعه هستند. آنها با کنترل روایت از طریق اخبار جعلی میتوانند از کسب اعتبار

رژیم‌های توتالیتر اخبار جعلی را به عنوان بخشی از استراتژی گسترده‌تر خود برای حفظ قدرت، کنترل ادراک عمومی و سرکوب مخالفان منتشر میکنند. این رژیم‌ها برای شکل دادن به نحوه نگرش شهروندان به جهان، دولت خود و نیروهای مخالف، به شدت بر دستکاری اطلاعات تکیه میکنند. رژیم‌های توتالیتر از اخبار جعلی به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف اصلی خود استفاده میکنند: حفظ قدرت به هر قیمتی. برای انجام این کار، آنها بدنبال کنترل جریان اطلاعات در جوامع خود هستند. در نظامهای توتالیتر، حقیقت فقط یک واقعیت عینی نیست بلکه چیزی است که میتوان آن را قالب‌بندی و دستکاری کرد تا در خدمت اهداف رژیم باشد. رژیم با کنترل چگونگی درک مردم از جهان، تضمین میکند که اقتدارش بی چون و چرا باقی میماند و نیروهای مخالف ضعیف یا بی اعتبار نگه داشته میشوند. این استراتژی به سه جزء کلیدی تقسیم میشود:

## 1. حفظ قدرت

رژیم‌های توتالیتر برای تقویت مشروعیت و نشان دادن خود به عنوان تنها مرجعی که قادر به حکومت بر مردم است، بر اخبار جعلی تکیه میکنند. آنها روایت‌هایی می‌سازند که موفقیت‌های رژیم را ستایش میکنند و در عین حال شکستها، فساد، یا نقض حقوق بشر را میپوشانند. آنها با ساختن داستانهایی که آنها را با دید مثبت نشان میدهند، توهم ثبات، رفاه و شکست‌ناپذیری را ایجاد میکنند. اخبار جعلی همچنین به این رژیم‌ها کمک میکند تا تصویری نادرست از مخالفان خود ترسیم کنند و آنها را فاسد، سازماندهی نشده یا همسو با دشمنان خارجی بدانند. این دستکاری مردم را متقاعد میکند که هیچ جایگزین مناسبی برای رژیم فعلی وجود ندارد و کنترل طولانی مدت را تضمین میکند.

## 2. کنترل ادراک عمومی

کنترل رژیم بر ادراک عمومی برای بقای آن نقش اساسی دارد. دولت‌های توتالیتر با کنترل شدید رسانه‌ها و انتشار اخبار جعلی، واقعیتی جایگزین ایجاد میکنند که شهروندان را در مورد وضعیت واقعی‌شان با اطلاعات نادرست یا سردرگم، سرگرم نگه میدارد. این شامل گسترش تبلیغات است که رژیم و رهبری نالایق را تجلیل میکنند، اپوزیسیون را خطرناک یا نالایق نشان میدهد و همچنین تهدیدهای خارجی یا داخلی را برای ترساندن افکار عمومی و اتکا به دولت برای حمایت‌های کورکورانه، ایجاد میکند و

رسانه‌های مستقل یا مخالفان جلوگیری کنند. رژیم تنها منبع "حقیقت" میشود و تضمین میکند که نسخه اش از رویدادها تنها نسخه‌ای است که به توده‌ها میرسد 2. تبلیغ و مشروعیت بخشی اخبار جعلی به عنوان تبلیغاتی برای ایجاد تصویری مطلوب از رژیم استفاده میشود و اغلب دولت را قوی، خیرخواه یا خطاناپذیر نشان میدهد. رژیم‌ها روایت‌هایی می‌سازند که دستاوردهای خود را مبالغه میکنند، گزارش‌های مربوط به شکستها را سرکوب میکنند و چهره‌های اپوزیسیون را بدنام میکنند و دولت را تنها مرجع مشروعی می‌سازند که قادر به رهبری کشور است. برای مثال، یک رژیم ممکن است به دروغ ادعا کند که گروه‌های مخالف با قدرت‌های خارجی مرتبط هستند یا درگیر تروریسم هستند تا اقدامات سرکوبگرانه را توجیه کنند و مشروعیت مخالفان را تضعیف کنند.

## 3. سرکوب مخالفان

رژیم‌ها با انتشار اطلاعات نادرست درباره جنبش‌های مخالف، اعتراضها یا شخصیت‌های سیاسی، قصد دارند منتقدان خود را بی‌اعتبار کنند. اخبار جعلی مخالفان را به عنوان جنایتکار، خائن یا عامل دولتهای خارجی برچسب گذاری میکند. این امر دیگران را از پیوستن به اپوزیسیون منصرف میکند و مانع از شتاب گرفتن این جنبش‌ها میشود. در برخی موارد، رژیم ممکن است داستان‌هایی درباره شکست یا از هم گسیختگی گروه‌های اپوزیسیون بسازد تا این توهم را ایجاد کند که مقاومت بی‌بهره است و از این طریق باعث تضعیف روحیه و ترس در بین شهروندان شود.

## 4. ایجاد آشوب اطلاعاتی

یک تاکتیک کلیدی رژیم‌های توتالیتر پر کردن فضای اطلاعاتی با اطلاعات متناقض یا گمراه کننده است. این منجر به سردرگمی میشود و تشخیص واقعیت را برای مردم دشوار میکند. هنگامیکه اخبار جعلی منتشر میشود، شهروندان در مورد اینکه به کدام منابع اعتماد کنند نامطمئن میشوند که توانایی آنها را برای سازماندهی یا به چالش کشیدن رژیم بطور مؤثر تضعیف میکند. این "آشوب اطلاعاتی" به بی‌ثباتی شهروندان و بی‌ثبات کردن جنبش‌های مخالف کمک میکند.

5. جعل تهدیدات یا خلق دشمن رژیم‌های توتالیتر اغلب برای ایجاد ترس در بین شهروندان از اخبار جعلی برای جعل تهدیدات یا دشمنان خارجی و تمامیت ارضی استفاده میکنند. این مساله به رژیم کمک میکند تا جمعیت را تحت یک هدف مشترک متحد کند که معمولاً به اقدامات مستبدانه به خاطر "امنیت ملی" نیاز دارد. در واقع در رژیم‌های توتالیتر منظور از امنیت ملی، ایجاد امنیت برای سرکوبگران است. اخبار جعلی ممکن است ادعا کنند که قدرتهای خارجی یا آنسوی



# چرا ملی‌گرایی ایرانی قبل از اینکه برانداز باشد، خواهان حفظ سیستم متمرکز است؟



ساسان خاتونی

ملی‌گرایی ایرانی یا ناسیونالیسم باستانگرایی که با تشکیل دولت-ملت ایران در اوایل سده‌ی گذشته‌ی شمس توسط رضاخان پهلوی و با تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از عوامل خارجی با انگیزه‌ی یک حکومت مقتدر مرکزی شکل گرفت. هویت خود را براساس یک روایت تاریخی تعریف میکند و آن را منشا پیدایش تمدن سرزمینی می‌نامد که با روی کار آمدن خاندان پهلوی نام آن به «ایران» تغییر داده شد. در واقع این ذهنیت سعی بر آن دارد که با نادیده گرفتن بخشی از تاریخ و با برجسته نشان دادن بخشی دیگر، تعریف خاص خود از هویت و ناسیونالیسم را بر دیگران تحمیل کند که برای اجرایی کردن این مسئله نیازمند یک ساختار متمرکز قدرت و ابزاری برای سرکوب هرآنکس که در مقابل آن بایستد، میباشد. این نوع ملی‌گرایی یک دایره‌ی ذهنی را برای خود ترسیم میکند که دیگری را که همراه او باشد وطن پرست و دیگری غیر همراه را خائن و مستحق تنبیه و حتی حذف میدانند. این دایره‌ی ذهنی وجود تنوعات ملی، زبانی، فرهنگی، دینی و حتی جنسیتی را منکر و ساختاری براساس یک ملت، یک زبان، یک فرهنگ و اغلب یک دین و یک مذهب را ترویج و بر دیگر هویت‌های مستقل تحمیل میکند.

ملت کبیر، فرهنگ کهن و زبان ملی و باستانی بخشی از اصطلاحاتی هستند که ملی‌گرایی خودبرتربین ایرانی به صورت مستمر سعی در القای آنان در ذهن مخاطبانش را دارد در حالیکه با واقعیت‌های جوامع ایران هیچ

گونه‌ی سنخیتی ندارند و به میان آوردن ترم‌هایی همچون «تمامیت ارضی» و «تجزیه‌طلبی» هرگونه سرکوب، خفقان، حبس‌های بلندمدت و اعدام را توجیه میکند. اصولاً میثت تمامیت ارضی بین دو شهروند یک کشور قابل تعریف نیست و به خارج از مرزهای سیاسی یک کشور برمیگردد و طبق منشور سازمان ملل متحد، کشورها باید به حاکمیت، مرزهای سیاسی و تمامیت ارضی کشورهای دیگر احترام بگذارند و به آن تعرض نکنند. «استقلال طلبی». ترم قابل تعریف در سیاست میباشد و یکی از مکانیسم‌های حق تعیین سرنوشت بعنوان یکی از مواد منشور حقوق بشر میباشد اما در مقابل ناسیونالیسم باستانگرایی ایرانی که اصولاً از مینا با دمکراسی و تفاوت دیدگاه‌های سیاسی مخالف است و سعی در همگون سازی جامعه دارد در چارچوب تجزیه‌طلبی، هر نوع خشونت و حذف فیزیکی مخالفانش را توجیه میکند.

سیستم متمرکز از همه‌ی ظرفیتهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری

هویت‌های به حاشیه رانده شده در جهت تأمین و تثبیت و قدرتمند کردن هویت غالب استفاده میکند. زبانهای غیر از زبان تحمیلی را لهجه و یا زیر مجموعه‌ی زبان مادر میخواند و فرهنگهای متفاوت موجود در یک جغرافیای سیاسی را خرده فرهنگ و بخشی از فرهنگ هویت بر ساخت ذهن خود میپندارد چرا که در بعضی موارد دیگر زبان و فرهنگ‌های انکار شده پربارتر، منسجم تر و با محتوایی غنی تر از زبان و فرهنگ غالب میباشد.

به تاراج بردن منابع طبیعی سرزمینی و زیر زمینی، عدم توسعه اقتصادی، نابودی محیط زیست حاشیه و استعمار و استثمار این مناطق و همچنین گسترش سیستماتیک فقر سیاستی بلندمدت و برنامه‌ریزی شده بوده که ملت‌های حاشیه را مجبور میکند در همه‌ی زمینه‌های توسعه‌ی زیربنایی، آموزشی، بهداشت و درمان نیازمند و دست به دامان مرکز باشند. چرا که مرکز نه کوهستان‌های غنی از منابع و معادن طبیعی و آبهای سرزمینی و زیرزمینی با تنوعات گیاهی و جانوری زاگرس را دارد و نه نفت و گاز

اهواز و نه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه سواحل و بنادر مکران و بلوچستان را و آنچه که از مرکز برایشان باقی میماند تنها بیابانهای خشک و محیط زیست ویران و آبهایی که حتی در لایه‌های زیرزمینی هم دیگر یافت نمیشوند. به همین دلیل از ابتدای تشکیل دولت-ملت متمرکز ایران، ناسیونالیسم باستانگرایی ایرانی چشم طمع نه تنها بر منابع و ثروتهای طبیعی بلکه از همه‌ی ظرفیتهای فرهنگی و زبانی برای تقویت زبان و فرهنگ فارسی بهره گرفته و گاه با تحریف تاریخ و تاریخ سازی و سرقت فرهنگی و هنری بخشی از تاریخ و فرهنگ دیگران را نیز بنام خود مینویسد. سیاست تحقیر، توهین، تمسخر، آسمیلاسیون فرهنگی و زبانی، تغییر دموگرافی، نفرت پراکنی و تفرقه افکنی میان ملل غیر فارس که از دوران پهلوی اول شروع شد، تا کنون هم در رژیم جمهوری اسلامی ادامه دارد. سیستم متمرکز به ملی‌گرایی ایرانی امکان تداوم این ره صدساله را میدهد و به همین دلیل است که بسیاری از آنان که امروز خود را در قامت اپوزیسیون رژیم تعریف میکنند،

جمهوری اسلامی را به یک ساختار غیرمتمرکز ترجیح میدهند. چرا که درک از آزادی مابین یک انسان کورد یا بلوچ هویت‌خواه با یک فرد مرکز نشین کاملاً متفاوت است.

انسان مبارز کورد بدنبال هویت ملی و حفظ جغرافیا و خاک کوردستان است اما برای انسان مرکز نشین که دغدغه‌ی زبان، هویت، خاک و جغرافیا را ندارد اگر در همین رژیم هم به یک سری از آزادی‌های اجتماعی از جمله لغو حجاب اجباری برسد و رفرف و اصلاحاتی در زمینه‌ی اقتصاد کشور انجام شود بطوریکه حتی همین وضعیت اقتصاد نابسامان فعلی هم به ثبات برسد، ایده‌آل خواهد بود. زیرا سیستم متمرکز بر پایه‌ی یک زبان، یک ملت و یک پرچم به خودی خود باقی خواهد ماند، استعمار ملل غیرفارس ادامه خواهد یافت و سپاه تروریست پاسدارانی هم وجود دارد که هرگونه صدای مخالف را خفه کند و به جنگ هویت خواهان کورد و بلوچ و گیلک و برود و هویت باستانگرایی ایرانی مدنظرشان را حفظ خواهد کرد حتی اگر رنگ و بوی مذهبی هم داشته باشد.

## اعمال تحریم‌های تازه اتحادیه اروپا و بریتانیا علیه رژیم اسلامی ایران



اتحادیه اروپا و بریتانیا در جدیدترین بسته‌های تحریمی خود علیه رژیم اسلامی ایران، بصورت جداگانه چندین نهاد و فرد مرتبط با این رژیم را تحریم کردند. روز دوشنبه ۲۳ مهرماه، سه شرکت هواپیمایی «ایران ایر»، «ماهان ایر» و «سها» دلیل انتقال موشک و پهپاد ساخت رژیم ایران و فناوری‌های مرتبط با آن به روسیه جهت استفاده در جنگ تجاوزکارانه علیه اوکراین توسط اتحادیه اروپا مورد تحریم قرار گرفتند.

همچنین «سید حمزه قلندری»، معاون وزیر دفاع رژیم نیز بدلیل مشارکت در توسعه برنامه پهپادی و موشکی جمهوری اسلامی از سوی این اتحادیه تحریم شده است. بنا بر این تحریم، دارایی‌های سه شرکت هواپیمایی و معاون وزیر دفاع رژیم در اتحادیه اروپا مسدود شده است. شایان ذکر است که بدنبال این

تحریم‌ها، پرواز هواپیماهای این شرکت‌ها به مقاصد اتحادیه اروپا لغو شده‌اند. از سوی دیگر و در اقدامی مشابه نیز بریتانیا بر دو نهاد و هفت مقام وابسته به جمهوری اسلامی تحریم‌های جدیدی اعمال کرد. طبق این تحریم‌ها مقاماتی همچون: عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش، محمدحسین دادرسیان جانشین فرمانده کل ارتش، حمید واحدی فرمانده نیروی

هوایی ارتش، محمد کاظمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه، حبیب‌الله سیاری رئیس ستاد مشترک ارتش، علی‌محمد نائینی سخنگوی سپاه و حسین پورفرزانه مهندس ارشد دفتر طراحی سامانه‌های قوای محرکه فرزندگان از سوی بریتانیا تحریم شده‌اند. همچنین دو نهاد «دفتر طراحی سامانه‌های قوای محرکه فرزندگان»، «طراح و تولیدکننده فناوری موتور موشک‌های کروزر و «سازمان فضایی ایران» دو نهاد مورد

تحریم بریتانیا را تشکیل می‌دهند. دیوید لمی، وزیر امور خارجه بریتانیا ضمن اشاره به اقدامات تنش‌زای جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن گفت که بدنبال حمله رژیم ایران با موشک‌های بالستیک به اسرائیل، این رژیم را پاسخگو و تسهیل‌کنندگان این اقدامات را افشا می‌کنیم.



# ژئوپلیتیک و استراتژی؛ زمینه‌های تقابل میان ایران و اسرائیل

(تبارشناسی جنگی فراتر از انتقام)



شاهو حسینی

بدون تردید آنچه میان ایران و اسرائیل می‌گذرد فراتر از یک انتقام است. فراتر از تلاشها برای گرفتن انتقام خون چند فرمانده نظامی، دبیرکل یا شخصیت بالای چند سازمان و گروه شبه‌نظامی. اگرچه حمله به سفارت ایران در سوریه، هدف قرارداد اسماعیل هنیه در تهران و سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله چند فرمانده برجسته سپاه در بیروت عامل تسریع در تقابل مستقیم ایران و اسرائیل بود. اما بدون تردید رقابت ژئوپلیتیکی و تقابل ایدئولوژیک در این تقابل نقش برجسته‌تری دارند. برخلاف امروز، در دوران حکومت پهلوی، ایران دومین کشور مسلمان پس از ترکیه بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت و با آن روابط دیپلماتیک برقرار کرد، این در حالی بود که اعراب در جنگ و تقابل نظامی بر سر مساله فلسطین با اسرائیل به سر می‌بردند. ظهور جمهوری اسلامی در خاورمیانه به عنوان یک حکومت فوندامنتال شیعی با مشخصه ضدیت با غرب و یهود اما خیلی زود جای مناسب دیپلماتیک با اسرائیل را به تقابل و خشونت داد. در اسرائیل اما با این موضوع به سردی پرداخته می‌شد، تا زمان روی کار آمدن اسحاق رابین در دهه نود میلادی، در کنار علل متفاوت گسترده، اما او شاید برای دور کردن گروههای فلسطینی از ایران و گسترده‌تر از آن برای جلوگیری از نفوذ ایران و ایجاد تهدید در درون مرزهای اسرائیل جهت تهدید امنیت ملی اسرائیل خودگردانی فلسطینیها را در اسلو به رسمیت شناخت. همچنین در دوره نخست‌وزیری او بود که پیمان صلح با اردن به امضاء رسید و مناسبات اسرائیل با بسیاری از کشورهای عربی عادی شد،

در واقع رابین به این ترتیب در جهت از میان برداشتن شکل‌گیری محیط تهدید علیه امنیت بین‌المللی اسرائیل بود، شاید او با تیزبینی شاهد تحولات تهدید آمیز ایران در لبنان و سوریه بود. زمانی که آمریکا در جنگ خلیج صدام را از کویت بیرون راند، برای کوردها مدار ۳۶ درجه تعیین شد و کوردستان به نوعی از عراق به صورت دوفاکتو جدا گردید، این روند موجب حذف حکومت صدام از مناسبات قدرت و تقابل در خاورمیانه از یک سو با ایران و از سوی دیگر با اسرائیل گردید، یعنی اگر عراق به نوعی حائل میان ایران و اسرائیل در خط مقدم نبرد با اسرائیل بود، با حذف او ایران از طریق نفوذ در عراق و دسترسی آسان‌تر به سوریه به خط مقدم تقابل با اسرائیل تبدیل شد. دو رخداد مهم در ایران اسرائیل را نسبت به ایران حساس‌تر نمود، نخست پرده‌برداری از برنامه اتمی ایران توسط سازمان مجاهدین خلق در دوره خاتمی بود و رخداد دوم لفاظیها و حملات گسترده محمود احمدی‌نژاد به اسرائیل که در دوران ریاست جمهوری او تخاصم میان ایران و اسرائیل را عمیق‌تر گردید. ژئوپلیتیک و استراتژی به‌مثابه عامل

تقابل ایران و اسرائیل تلاشهای ایران از طریق دو گروه عمده در جنگ نیابتی با اسرائیل جهت تاثیرگذاری بر امنیت ملی و امنیت بین‌المللی موجب به بازاندیشی نگاه اسرائیل به خاورمیانه و حضور موثرتر و گسترده‌تر شد. این روند به‌خصوص از دوران ریاست جمهوری باراک اوباما که مرکز ثقل سیاست خارجی آمریکا را از خاورمیانه به شرق دور آسیا و مشخصاً دریای چین و جزیره تایوان منتقل نمود، آشکارتر گردید. ایران از طریق کودتای حماس در غزه و بیرون راندن فتح از آنجا به نوعی در داخل ژئوپلیتیک اسرائیل به تهدیدی علیه امنیت ملی اسرائیل از طریق ترور، حمله علیه شهروندان مدنی و اهداف مدنی برای ایجاد ناامنی تبدیل شد، همزمان نیز در شمال و از طریق مرز مشترک اسرائیل با لبنان، حزب الله از طریق موشک پرانی، نفوذ به داخل اسرائیل از طریق تونلها جهت ترور و ربودن نظامیان و شهروندان مدنی اسرائیلی اقداماتش مکمل تهدیدات حماس برای خدشه به امنیت ملی اسرائیل بود. در فراسوی مرزهای اسرائیل نیز، ایران از طریق گسترش هژمونی در عراق و ایجاد گروه‌های تروریستی شبه‌نظامی، کودتا در یمن و قبضه قدرت توسط گروه تروریستی

حوثی و تلاش برای کشاندن پای چین به خاورمیانه در صدد تلاش برای ایجاد تهدید علیه امنیت بین‌المللی اسرائیل بود. اسرائیل اما برای مقابله با این تهدیدات از یک سو در مرزهای خویش به تقابل با حماس و حزب‌الله پرداخته و در فراسوی مرزهای خود، در تلاش برای معماری نوین ژئوپلیتیکی از طریق ایجاد پیمان ابراهیم با کشورهای عربی در ساحل خلیج فارس و همسایه ایران بود. در واقع در حوزه ژئوپلیتیک اسرائیل از طریق پیمان منطقه‌ای با کشورهای عرب حاشیه خلیج، مصر، اردن، مراکش، یونان و قبرس درصدد ایجاد یک سیستم پایدار و قوی از روابط با این کشورهاست تا تلاشهای استراتژیک ایران برای هژمونی مطلق در خاورمیانه را خنثی نمایند. عمده تلاشهای اسرائیل برای خنثی‌سازی تلاشها و استراتژیهای ایران در خاورمیانه به‌غیر از تقابل نظامی با حماس و حزب‌الله، تلاشهایی دیپلماتیک بود، اما حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس به اسرائیل از یک سو و کشاندن پای چین به محیط امنیتی خاورمیانه توسط ایران در نقش میانجی برای ایجاد وحدت میان حماس، فتح و دیگر گروههای فلسطینی جهت ایجاد یک دولت مشترک در غزه و کرانه باختری که می‌توانست منجر به

شکل‌گیری تهدیدی گسترده و پایدار علیه اسرائیل بشود، اسرائیل را به‌سوی از میان برداشتن اسماعیل هنیه در تهران و به‌عنوان میهمان مراسم تحلیف رئیس‌جمهور ایران سوق داد، این عملیات در واقع یک پیام آشکار، خشن و محکم بود برای چین و ایران که اسرائیل به هیچ تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی خود با اغماض برخورد نمی‌کند. در واقع هنیه به‌عنوان شخصیت محوری فلسطینی این وحدت فلسطینی مورد به‌عنوان بازیگر این وحدت فلسطینی مورد هدف اسرائیل قرار گرفتند. ایران نیز که استراتژی امنیتی او برای فرم دادن به یک محیط امنیتی جدید در خاورمیانه از طریق حذف اسرائیل با شکست روبه‌رو شده بود، علیه تلاشهای اسرائیل ناچار به پاسخگویی مستقیم نظامی شد و به این ترتیب جنگ نیابتی ایران و اسرائیل تبدیل به جنگ و تقابل مستقیم نظامی شده که هر روز انتظار می‌رود گسترده‌تر گردد. خاورمیانه شاید ملت‌هت‌ترین روزهای خود را سپری می‌کند، جایی که اسرائیل هیچ تهدیدی علیه امنیت خویش را برنتابیده و جمهوری اسلامی بنیادگرا نیز به ناچار متخاصم‌تر و مصمم‌تر از گذشته در تلاش برای محو اسرائیل از صفحه روزگار است.

## ۶ سال حبس تعزیری برای شهروند کورد اهل ارومیه

سال حبس تعزیری محکوم شد. نهادهای امنیتی رژیم ایران خانواده این شهروند کورد را تهدید کرده‌اند که از هر گونه اطلاع‌رسانی در رابطه با بازداشت و محاکمه فرزندشان خودداری کنند. آیهان ابراهیمی در مورخ ۱۸ تیر توسط نیروهای اداره اطلاعات رژیم در منزل خانوادگی‌اش در ارومیه و با توسل به خشونت بازداشت شده بود. شایان ذکر است که این شهروند کورد

آیهان ابراهیمی علیکانی، شهروند کورد اهل ارومیه توسط دستگاه باصلاح قضایی رژیم اسلامی ایران به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد. آیهان ابراهیمی علیکانی ۲۸ ساله و اهل ارومیه و دانش‌آموخته رشته پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی گیلان در اوایل ماه جاری توسط شعبه ۳ دادگاه رژیم در ارومیه به اتهام "عضویت در گروه‌های معارض جمهوری اسلامی" به تحمل ۶

پس از ۱۰ روز از بازداشت اداره اطلاعات رژیم به بند امنیتی زندان مرکزی ارومیه منتقل و سپس با تودیع قرار وثیقه ۲ میلیارد تومانی و بصورت موقت تا پایان مراحل دادرسی آزاد شده بود. بازداشت شهروندان کورد در کوردستان از سوی نهادهای نظامی رژیم ایران به اتهام‌های واهی و ساختگی جریانی پیوسته است و بسیاری از شهروندان کورد به حبس‌های طولانی مدت محکوم می‌شوند



بندبازی موشکی

کارتون احمد بارکی‌زاده



# ارمغان جمهوری اسلامی، مرگ و ویرانی



رضا دانشجو

بنیادین با جمهوری اسلامی داشت. صدور انقلاب یا به عبارت بهتر صدور نامنی و تروریسم جمهوری اسلامی تاریخی به اندازه عمر ننگین رژیم دارد که بتوان آنرا بطور خلاصه در چند بخش دسته بندی کرد:

## جریان وابسته شیعی

تلاش ساختارمند رژیم برای پیداکردن جریان های وابسته مذهبی را می‌توان بخشی از استراتژی نفوذ آخوندها دسته بندی کرد. شیعه سیاسی وابسته که قبله ش به جای کعبه رو به تهران و ولایت فقیه است. جریانی که در میزان وابستگی آن همین بس که بارها مورد اعتراض جریان مستقل و غیر دولتی روحانیت قرار گرفته است، در این میان می‌توان به دهها مرجع تقلید شیعه اشاره کرد که به خاطر اعتراض به قرائت سیاسی وابسته از شیعه مورد خشم رژیم قرار گرفته، خلع لباس یا زندانی شده و مورد هتک حرمت قرار گرفته اند. جریان تشیع وابسته در پاکستان و عراق و لبنان یا آخوندهایی مانند شیخ زکزاکی در نیجریه را می‌توان در این گروه قرار داد.

جریان شیعی وابسته اگرچه به ظاهر سمت و سویی دینی دارد اما در واقع به طور کامل در چارچوب دستورات ولایت فقیه و رژیم عمل می‌کند. در واقع دین و به عبارت بهتر مذهب در این قرائت عاملی برای بقای دیکتاتور جمهوری اسلامی است. رژیم بارها از این جریان های مذهبی به عنوان یک آلت دست جهت تحت فشار

مطبوعات مستقل - را به عنوان یک تهدید وجودی میبینند. اخبار جعلی برای تضعیف این هنجارها با انتشار گزارشهای نادرست در مورد تقلب در انتخابات، فساد در نهادهای دموکراتیک، یا شکست دموکراسی های همسایه استفاده میشود. حاکمیت توتالیتر این تصور را ایجاد میکند که دموکراسی ناپایدار و فاسد است و بدین شیوه بی تفاوتی یا حمایت از رویکرد اقتدارگرایانه رژیم را می‌خواهد تقویت میکند.

## ۸. ایجاد ترس و تبعیت

ترس ابزاری قدرتمند برای کنترل جمعیت است و اخبار جعلی اغلب برای تشدید اضطراب و ایجاد حس نامنی استفاده میشود. رژیمها با تغذیه مداوم داستانهای عمومی جنایت، هرج و مرج یا تهدیدات (چه واقعی و چه ساختگی)، میتوانند در ازای وعده ثبات و امنیت، مردم را برای پذیرش محدودیت‌های بیشتر بر آزادی‌هایشان ساکت کنند.

رژیم ایران و خبرنگارنماهای نیابتی اش در ایران، استفاده از اخبار جعلی توسط رژیم یک استراتژی رایج برای انحراف اعتراضات عمومی، بی اعتبار کردن گروه های مخالف و ساکت کردن خبرنگاران مستقل است. حاکمیت، به‌ویژه از طریق رسانه‌های دولتی و رسانه‌های وابسته، اغلب در کمپین‌های اطلاعات نادرست با هدف سرکوب مخالفان و شکل دادن به افکار عمومی اعمال نفوذ میکند. رژیم ایران همواره سعی کرده است از طریق رسانه‌های دولتی و خبرنگارنماهای نیابتی اش که به اقصی نقاط دنیا صادر کرده است، سیاست های خود را به پیش ببرد و هرچه بیشتر در نشر اخبار جعلی تولیداتی

بوده و هست. باید اعتراف کرد حداقل بخشی از جامعه اسیر این قرائت پوپولیستی از قدرت پوشالی جمهوری اسلامی شده و گاه تحت تاثیر ماشین تبلیغات رژیم قرار می‌گیرند. این نگاه احمقانه را حتی می‌توان در بعضی از نیروهای به اصطلاح وطن پرست ( شما بخوانید سلطنت پرست) دید که گاه برای تیروریست های رژیم دایه مهربانتر از مادر می‌شوند!

نگاهی گذرا به عملکرد این نیروهای نیابتی عمق فاجعه و دستاورد جمهوری اسلامی و مزدورانش برای این کشورها را نشان می‌دهد. عراق رها شده از دست صدام سالهاست در زیر سایه نیروهای مزدور حشدالشعبی رنگ آرامش را ندیده است. عراق پس از صدام که امیدوار بود طعم دموکراسی را بچشد اینک گوش به فرمان تهران و شخص ولایت فقیه است تا وارد جنگ یا تنش با کشور دیگری شود. در جایی که عملا دولت منتخب مردم کوچکتری نقشی در اداره کشور ندارد و نیروهای خودسر وابسته به جمهوری اسلامی برای همه خط و نشان می‌کشند. یمن در آتش جنگ داخلی است نیروهای حوثی علی رغم اینک از لحاظ مذهبی و اعتقادی با ولی فقیه فاصله دارند اما به مدد کمک های فراوان مالی رژیم چشم را بر این تفاوت ها بسته و در حال نابودی کشورشان هستند، گوش به فرمان تهران برای شلیک به هر سمتی، گاهی عربستان، گاهی اسرائیل، گاهی کشتی های عبوری از دریا و گاهی به سمت مردم خودشان! داستان غزه و حماس هم که

## نیروهای نیابتی

جمهوری اسلامی برای صدور انقلاب! فقط دلخوش به جریان روحانیت وابسته نبوده است. برای حکومتی که سرکوب و خفقان مهم ترین ابزار حکمرانیش به شمار می‌آید پیداست ایجاد گروه های شبه نظامی وابسته تا چه اندازه می‌تواند حیاتی و لازم باشد. هدف اصلی رژیم از ایجاد این گروهک ها، در واقع صدور بحران به کشورهای دیگر است. از نگاه جمهوری اسلامی برای از فرار از بحران های بی پایان داخلی تنها راه، بحران آفرینی و ایجاد تنش است! در دکترین ولایت فقیه، برای حل هر مشکلی بهترین راه حل ایجاد یک مشکل بزرگتر است تا از طریق افکار عمومی را به سمت دیگری سوق داد! در کنار این نباید فراموش کرد که پروپاگاندا هم بخشی مهمی از دستگاه حکمرانی رژیم

داشته باشد. رژیم ایران و مزدورانش توانسته‌اند در مقاطع حساس خیزشهای مردمی افکار عمومی را منحرف کنند و باعث سرکوب خواسته‌های آزادیخواهان شوند. انتشار اخبار و روایات جعلی از طرف رژیم ایران و خبرنگارنماهای نیابتی اش در مورد کوردستان، بلوچستان و.. که همواره کانون های مبارزه علیه تمامیت خواهی بوده‌اند، باعث شده است که در برهه‌های تاریخی توقف یا انحراف افکار عمومی را هدایت کنند به ویژه در انقلاب ژینا با طرح مسائل انحرافی و بازگویی تهمت های صدها ساله حاکمیت در مورد ملل ایران، توطئه‌های سرکوب وحشیانه مردم از جانب حاکمیت را رسمیت بخشیدند.

## - اطلاعات نادرست در مورد اعتراضات

در رویدادها و اعتراضات اخیر بر همگان ثابت شده است که رژیم ایران از اخبار و گزارش جعلی برای تحریف ماهیت اعتراضات استفاده میکند. رسانه‌های تحت کنترل دولت، اعتراضات را به مداخله خارجی یا سازماندهی شده توسط دشمنان بیرونی مانند کشورهای غربی، اسرائیل یا گروه‌های اپوزیسیون در خارج از کشور متهم میکند. روایتی رژیم به دروغ تظاهرکنندگان را به‌عنوان "عوامل دولت‌های خارجی" یا "تروریست‌ها" به جای شهروندانی که خواستار عدالت اقتصادی و تغییرات سیاسی هستند، معرفی میکند. با این کار، رژیم به دنبال مشروعیت زدایی از معترضان و نشان دادن آنها به عنوان خائن یا عامل خارجی بود و همدردی عمومی نسبت به تظاهرکنندگان را از بین برد و توجیه سرکوب خشونت آمیز را برای رژیم

این روزها نقل هر انجمن است! حماس سلفی هم با دیدن سخاوت رژیم، پشت به همه اعتقاداتش کرد و آماده نابودی غزه! سرزمینی که این روزها تبدیل به بیابانی لم یزرع شده است و تنها دلخوشی سران زنده مانده حماس تونل هایش است. حزب الله را باید وفادارترین نوکر رژیم خواند، داستان حزب الله فراتر از وابستگی است آنها فدائیان ولایت فقیه هستند. مسلما تاوان این وفاداری بیشتر، نابودی بیشتر لبنان و مردم بی گناه آن است. مردمی که انگار به جنگ و آشوب های دوره ای نوکران جمهوری اسلامی عادت کرده اند! جنگی که بارها آنها را وادار به فرار از خانه و کاشانه شان کرده است!

آنچه گفته شده است بخشی کوچک از داستان سالها تنش آفرینی و بحران سازی رژیم جمهوری اسلامی است. در واقع همانطور که در ابتدا گفته شد تنها مردم ایران از نقش مخرب جمهوری اسلامی متضرر نشده اند بلکه میلیونها نفر در چندین کشور، زندگی شان توسط جمهوری اسلامی نابود و تباه شده است. مرگ، کشتار و ویرانی تنها دستاورد جمهوری اسلامی بوده است. رژیمی که وجود منحوسش با ناآرامی و تنش درهم آمیخته است، حکمرانی که ادامه حیاتش را در بی ثباتی دیگر کشورها می‌بیند! نظامی که ماندنش مستلزم سیاهی و تاریکی است و بی شک تنها ارمغان تاریکی مرگ و نابودی است!

ایران یک کمپین اطلاعات نادرست به راه انداخت و مدعی شد که زم با آژانس های اطلاعاتی غربی همکاری می‌کند. همچنین مشاوران رضا پهلوی همگام با اطلاعات غلط، او را متهم به همکاری با نهادهای اطلاعاتی ایران کردند و حتی زمانی که زم از عراق به ایران رفته بود، سلطنت طلبها از انتشار اخبار جعلی و بدنام کردم مبارزان کوتاهی نکردند. در نهایت روح الله زم در سال 2020 اعدام شد. این تاکتیک رژیم ایران و همگامی گروه پهلوی یعنی مرتبط کردن روزنامه نگاران مستقل با جاسوسی یا تروریسم چندین هدف را دنبال میکند: الف- ارباب سایر روزنامه نگاران: رژیم با هدف قرار دادن روزنامه نگاران سرشناس مانند زم، به خبرنگاران دیگر هشدار میدهد که از پوشش انتقادی خودداری کنند یا خطر برخورد مشابه را به همراه داشته باشند.

ب- بی اعتبار کردن منابع خبری موثق: برجسب زدن به خبرگزاریها و روزنامه‌نگاران مستقل اعتبار آنها را در نزد مردم تضعیف میکند و اعتماد مردم به داده‌های آنان را دشوار میکند. در برهه‌های حساس رژیم ایران از طریق رسانه‌های خود و یا خبرنگارنماهای نیابتی بارها توانسته است خبری جعلی را بولد کند و بعد از مدتی رونمایی از رویداد واقعی، بالادستی خود را در رسانه و بازی دادن اپوزیسیون به نمایش بگذارد. پس بسیار ضروری است که روزنامه‌نگار یا کنشگر سیاسی و مدنی بتواند در نشر اخبار راست آزمایی کند و فریب بازیهای رسانه‌های رژیم ایران را نخورد و خود به بخشی از تبلیغ کنندگان خبر جعلی حاکمیت تبدیل نشود.

آسانتر کرد. همچنین رژیم به دنبال تغییر تمرکز از مسائل داخلی و ریشه واقعی اعتراضات بود که البته باعث منحرف شدن و موفق در سرکوب اعتراضات به صورت موقت شد.

## - هدف اخبار جعلی تخریب اپوزیسیون واقعی است

در جریان اعتراضات و پس از آن، رژیم ایران نیز کمپین های اخبار جعلی خود را علیه گروه های مخالف تشدید کرد. یکی از اهداف کلیدی تخریب اپوزیسیون واقعی بود. دولت ایران و رسانه های آن بارها مدعی شدند که اپوزیسیون خارج از کشور تظاهرات را سازماندهی کرده و با سازمان های اطلاعاتی خارجی برای بی ثبات کردن کشور همکاری میکند. رژیم ایران در نفوذ خود بر اعتراضات اغراق آمیز کرد تا ناراضی‌های مردم را بی اعتبار کند و ناآرامی ها را به عنوان یک تهدید امنیتی به جای یک جنبش سیاسی و اجتماعی معرفی کند.

## - بی اعتبار کردن روزنامه‌نگاران مبارز و مستقل

ایران اغلب از اخبار و روایتی جعلی و اطلاعات نادرست برای تضعیف روزنامه‌نگاران مبارز و مستقل در داخل و خارج از کشور استفاده میکند. روزنامه‌نگارانی که گزارش‌های انتقادی از رژیم یا اعتراضات میکنند اغلب به عنوان «جاسوس» یا «عامل دولت‌های خارجی» نامیده میشوند. به عنوان مثال روح الله زم، موسس کانال خبری آمدنیوز، متهم به تحریک ناآرامی در جریان اعتراضات 2017-2018 از طریق گزارشگری و فعالیت های آنلاین خود بود. دولت

## ادامه صفحه ۲

مرز برای بی‌ثبات کردن کشور، توجیه اقدامات نظامی، سانسور یا نظارت جمعی در حال توطئه هستند! این تاکتیک تمرکز مردم را از مسائل داخلی مانند فساد یا نقض حقوق بشر منحرف میکند و در عوض حس و اطاعت از رژیم را تقویت میکند. در جریان انقلاب ژینا شاهد بودیم زمانی که معترضان در ایران با رویدادهای کوردستان همدلی میکردند و شعارهای پشتیبانی در اقصی نقاط ایران سر میدادند، رژیم ایران که متوجه شد کوردستانفویبی ساختگی اش دیگر کاربرد ندارد با حمله به پایگاههای مدنی و نظامی حزب دمکرات کوردستان و انحراف افکار عمومی، در آنسوی مرز هم رضا پهلوی با به پیش کشیدن تمامیت ارضی؛ موجب سرکوب خشونت آمیز و خونین خیزش گسترده زن، زندگی، آزادی شدند.

## 6. توجیه سیاستهای سرکوبگرانه

اخبار جعلی بهانه‌ای برای وضع قوانین سختگیرانه، نظارت یا خشونت علیه گروه‌های مخالف است. برای مثال، رژیم ممکن است برای توجیه سرکوب آزادیهای مدنی، اطلاعات نادرست درباره یک تهدید تروریستی قریب‌الوقوع یا ناآرامیهای مدنی منتشر کند. دولت با ایجاد بحران یا اغراق در تهدیدهای واقعی، میتواند سیاستهای استبدادی را تحت پوشش حفاظت از نظم عمومی اجرا کند.

## 7. تضعیف هنجارهای دموکراتیک

رژیمهای توتالیتر اصول دموکراتیک - مانند آزادی بیان، انتخابات عادلانه، و



# سیاست‌های جمهوری اسلامی در کوردستان ضد توسعه و در جهت نابودی آن بوده است

مصاحبه: شهرام سبحانی

اشاره: منابع طبیعی و محیط زیست ثروتی گرانبها هستند که نقش کلیدی در ادامه‌ی حیات ما انسانها ایفا میکنند. بطوریکه تخریب این منابع میتواند برای ما در این جهان هستی نتیجه‌ی جبران ناپذیری به همراه داشته باشد. لازم به ذکر است که اکثر دولتهای جهان خود را ملزم به حفظ و نگهداری از این منابع میدانند و سیاستهای خود را در چهارچوب حفظ و گسترش این منابع تدوین کرده‌اند تا نتیجتاً آسیبی به این منابع طبیعی نرسد. اما با نگاهی به عملکرد جمهوری اسلامی در می‌یابیم که سیاست‌هایش مرتباً منابع طبیعی و محیط زیست را در معرض نابودی قرار داده است. در ادامه‌ی این گفتگو با سوالاتی نظیر اینکه سیاستهای جمهوری اسلامی چه تاثیر مخربی در روند تخریب محیط زیست کوردستان داشته است؟ علت اصلی نابودی جنگل‌های کوردستان چیست؟ تغییرات آب و هوایی چه سرنوشتی برای کوردستان رقم خواهد زد؟ آیا شاهد موج مهاجرت‌ها از مرکز به کوردستان خواهیم بود؟ که برای پاسخگویی به این سوالات گفتگویی با د. منصور سهرابی، متخصص بوم‌شناسی و محیط زیست خواهیم داشت.

● **جناب دکتر سهرابی ابتدا برای ما بگید که مخاطراتی که منابع طبیعی و محیط زیست را تهدید میکنند کدام‌ها هستند؟**

لازم میدانم به دو دسته بلایا اشاره کنم، بلایای طبیعی که انسان دخالتی در آن ندارد و قبل از ظهور انسان هم وجود داشته‌اند، مانند سیل، آتش‌سوزی، زلزله و ... نوع دوم بلایای هستند که انسان سبب بوجود آمدن آن شده است. مانند خشکسالی انسان ساز، فرسایش و فرورانش خاک، بیابان‌زایی، تخریب مراتع و جنگل‌ها، آلوده کردن هوا و ... در روند تکامل اکوسیستم‌ها بر روی زمین مسیر طبیعی توالی رسیدن به کلیماکس است که در آن تنوع گونه‌ای زیاد است و قلمرو هر جاندار هم محدود است. کلیماکس اکوسیستمی پایدار است و ثبات در آن زیاد است. در مسیر رسیدن به کلیماکس گاهی اتفاقاتی روی خواهد داد که توالی را به عقب می‌راند و یا ممکن است مسیر را بطور کامل عکس کند که در آن اکوسیستم‌ها به جای رسیدن به کلیماکس به سمت ساده شدن و کم شدن تنوع می‌روند و گاهی سیر قهقراپی را طی میکنند، این اتفاق ممکن است بطور طبیعی روی دهد یا آنکه انسان در آن دخالت داشته باشد. شواهد ۱۰۰ سال اخیر حاکی از آن است که انسان

عامل اصلی تغییر مسیر توالی بوده که این مسئله نگران‌کننده است. انسان با دستکاری ناخردانه و غیر علمی طبیعت برای تامین منافع خود و رشد نامتوازن و ناپایدار منجر به این فجایع شده که از جمله آن می‌توان به روند تغییرات اقلیمی اشاره کرد که انسان در آن دخالت مستقیم داشته و با افزایش گازهای گلخانه‌ای باعث بالا رفتن دمای جو زمین شده که در پی آن انواع بلایا از جمله خشکسالی، بیابان‌زایی، سیل و ... بوجود آمده است.

● **سیاست‌های جمهوری اسلامی چه تاثیر مخربی در روند تخریب محیط زیست کوردستان داشته است؟**

قبل از جمهوری اسلامی ایران هم سیاست‌های توسعه‌ای در ایران به جای آنکه پایدار باشند تخریبی بوده‌اند از برنامه اول توسعه در دوران پهلوی که در سال ۱۳۲۷ نوشته شد تا امروز که برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی نوشته شده است کمترین توجه‌ای به ظرفیت‌های اکولوژیک نداشته‌اند. همه‌ی برنامه‌های توسعه‌ای با سیاست‌های تبعیض آمیز برای منافع عده‌ای نوشته و اجرا شده‌اند که مناطق پیرامون ایران از آن بهره‌چندانی نبرده‌اند. در دوران جمهوری اسلامی ایران بر پایه توسعه کشاورزی بود که براساس خودکفایی در بخش کشاورزی بنا شده بود و برای رسیدن به آن سیاست‌های خاص‌آبی اعمال شد. برای تحقق سیاست‌های کشاورزی در مناطق همجوار کوردستان، آب از کوردستان به دیگر مناطق انتقال

یافت، برای نمونه سال‌هاست از سد بوکان، آب به تبریز منتقل میشود که شهرک‌های صنعتی، بخش کشاورزی و نیروگاه تبریز از این آب بهره‌مند شده‌اند. از دیگر موارد میتوان به توپاران جنگل‌ها و مراتع کوردستان اشاره کرد که از همان سال‌های اول انقلاب به امری عادی تبدیل شده و به بهانه‌های واهی مرتباً مورد آماج و حمله واقع میشوند. از طرف دیگر هنوز هم تعداد زیادی مین در مناطق مختلف کوردستان وجود دارد که تهدید جدی برای محیط زیست و مردم منطقه می‌باشد. همچنین تغییر کاربری جنگل‌ها و مراتع در کوردستان توسط عوامل امنیتی و سپاه پاسداران بطور گسترده انجام شده و تهدیدی برای تنوع زیستی منطقه و سرزمین کوردستان بوده است.

● **هر ساله جمهوری اسلامی به بهانه‌های مختلف جنگل‌های کوردستان بخصوص مریوان را به آتش می‌کشد، به نظر شما علت اصلی نابودی جنگل‌های کوردستان چیست؟**

همچنانکه اشاره کردم جمهوری اسلامی در تمام کوردستان از شمالی‌ترین نقطه زاگروس تا پایین‌ترین نقطه کوردستان در ایلام نابودی جنگل‌ها را در دستور کار قرار داده که یا آنرا آتش می‌زنند و یا آنکه برای اطفای حریق اقدام کافی صورت نمی‌گیرد. حتی افرادی هم که قصد خاموش کردن آتش را دارند به بهانه‌های مختلف مورد تهدید عوامل امنیتی قرار می‌گیرند. در کل سیاست‌های جمهوری اسلامی در کوردستان ضد توسعه و در جهت نابودی

آن بوده است. ● **پروژه‌های سدسازی در کوردستان هر ساله بطور چشمگیری رو به افزایش است این پروژه چه تهدیدی بر اکوسیستم آینده کوردستان خواهد داشت؟**

اساساً سدسازی در دنیای امروزه منسوخ است و در بسیاری از کشورها از جمله کشورهای اروپای برنامه‌ریزی رودخانه‌ها از اسارت در دستور کار قرار گرفته است. اما متأسفانه در ایران نهضت سدسازی کاملاً ادامه دارد. سدسازی به نوعی دستکاری در چرخه هیدرولوژیک است که بر میکروکلیمای منطقه تاثیر گذار است و ضمن آنکه در بالادست علاوه بر تاثیر بر منابع آب بر آثار تاریخی و زندگی مردم هم تاثیر گذار است و در پایین دست هم اثرات آن اغلب منفی است. با این اوصاف سیاست آبی جمهوری اسلامی ایران در کوردستان با پروژه‌های سدسازی، بیشتر در پی انحراف و انتقال آب به دیگر مناطق است و همزمان سبب گسترش کشاورزی آبی نامتوازن هم شده است.

● **آن دسته از مخاطرات طبیعی که در آینده کوردستان را تهدید می‌کنند چیست؟ و چگونه می‌توان از آن جلوگیری کرد؟**

فرورانش دشت‌های کوردستان با تهدیدی جدی مواجه هستند. با فشاری که بر آبخوان‌های کوردستان وارد میشود و برداشت آب از آبخوان بیش از ورود به آن است. در آینده بیشتر دشت‌های

کوردستان دچار فرورانش خواهند شد و فرسایش خاک هم در کوردستان بسیار زیاد است و خاک کوردستان از دست می‌رود. جنگل‌های کوردستان در حال کاهش هستند که تهدیدی برای تنوع زیستی میباشد. با ادامه این روند زندگی در کوردستان بسیار دشوار خواهد بود.

● **امروزه نه تنها در کوردستان بلکه در تمام دنیا با تغییرات آب و هوایی و اقلیمی روبرو هستیم به نظر شما این تغییرات چه سرنوشتی برای کوردستان رقم خواهد زد؟ آیا شاهد موج مهاجرت‌ها از مرکز به کوردستان خواهیم بود؟**

کوردستان هم مانند دیگر مناطق کم و بیش متاثر از تغییرات آب و هوایی خواهد بود و این تغییر ممکن است شرایط زندگی در کوردستان را دشوار کند. هر چند که مناطق بسیاری از ایران پیش‌بینی میشود که شرایط بسیار سختی خواهند داشت و با گمان اینکه شرایط کوردستان بهتر است احتمال مهاجرت به کوردستان را بیشتر میکند اما احتمال اینکه شرایط کوردستان بسیار بهتر خواهد بود تنها یک وهم است که این وهم ممکنه حتی شرایط را در آینده برای کوردستان وخیم‌تر هم بکند.

آقای سهرابی ممنون از اینکه برای این مصاحبه وقت گذاشتید.

خواهش میکنم.

دکتر منصور سهرابی



# دکتر "قاسملو" نظریه پرداز و سیاستمدار پراگماتیکی بود که کمتر مقهور شرایط شد، بلکه در حین دشواری و ناممکن بودن تصمیم، تصمیم‌هایی گرفت که بعدها در تداوم مبارزه حزب دمکرات نقش اساسی داشت.



دکتر آزاد محمدیانی

مصاحبه: آوان سنه‌یی

تسلط بر حزب دموکرات و تبدیل آن به شاخه‌ی کوردستانی خود، نوع فعالیت حزب دموکرات را سمت و سو می داد. در این شرایط قاسملو وارد حزب دموکرات شده و علاوه بر قوس‌های فراوان نهایتاً در راس رهبری این حزب قرار گرفت و دست به اقداماتی زد که موجب تبدیل شدن "حزب دموکرات کوردستان ایران" به حزبی گردید که توانست رهبری بخش وسیعی از مردم کوردستان در انقلاب 57 و مناسبات و رویدادهای سیاسی بعد از انقلاب را به عهده بگیرد. قاسملو علاوه بر اینکه به لحاظ ساختاری و محتوایی شکل و چهارچوبی مدرن، دمکراتیک و انقلابی به حزب دموکرات بخشید بلکه با طرح موضوعاتی اساسی در مقطع انقلاب در شکل‌گیری گفتمان سیاسی جنبش مبارزاتی کوردستان ایران توانست نقش اساسی ایفا کند، به طوری که بعدها رقیب سیاسی و احزاب دیگر کوردستان، هم به شیوه سلبی و هم ایجابی تحت تأثیر این فضای گفتمانی قرار گرفتند که قاسملو خلق کرده بود.

## ● اهداف جمهوری اسلامی از ترور د. قاسملو چ بود؟

طبیعتاً طراحان ترور دکتر قاسملو در جمهوری اسلامی به این واقعیت پی برده بودند که یکی از دلایل سنگینی مبارزه کوردستان قاسملو؛ ایده‌ها و کارزمای شخصی اوست، البته در اینکه تشخیص درستی داده بودند که نقش قاسملو در این مبارزه بی‌بدیل است واقعیتی انکارناپذیر است اما آنها دچار یک اشتباه محاسباتی نیز شده بودند، اینکه بعد از حذف قاسملو حزب دموکرات احتمالاً دچار از هم پاشیدگی خواهد شد، غافل از اینکه دوام و قوام این حزب اگر یکی از دلایل آن پایگاه توده‌ای آن بود، دلیل دیگرش خود قاسملو و ساختار و محتوایی بود که به این حزب بخشیده بود، به طوری که بعد از جان باختن او نیز می‌توانست بر اساس همان اصول بنیان گذاشته شده، ادامه‌ی حیات دهد. بنابراین هدف گذاری ترور قاسملو از دید حاکمان جمهوری اسلامی کار درستی بود که می‌توانست حزب دموکرات را دچار تزلزل کند اما این نقش خود قاسملو بود که این انگاره را باطل کرد.

## ● آیا د. قاسملو تنها رهبر حزب دمکرات کوردستان بود یا رهبر یک ملت؟

در واقع پاسخ گفتن به این پرسش قدری دشوار است، چون همچنانکه گفته شد، ایده‌های قاسملو توانست بر گفتمان سازی جنبش کورد در کوردستان ایران نقش بنیادین داشته باشد، گفتمانی که تا کنون به عنوان گفتمان مسلط سیاسی کوردی قابل شناسایی است، که این خود به معنای جذابیت این نگرش‌ها و پذیرش عمومی مردم کورد است، در حقیقت این واقعیت می‌تواند از کسی که عامل اصلی این گفتمان سازی است یک ایدئولوگ بسازد و حال که این شخص در قامت یک سیاستمدار ظاهر می‌شود این امکان را برای آن فراهم می‌کند که تبدیل به یک رهبر سیاسی شود که مورد قبول جامعه‌ی هدف خود قرار می‌گیرد. در واقع نقش تاریخی قاسملو در سیاست کوردی دوره انقلاب و کشمکش‌های بعد از آن، قاسملو را اگر نه به طور مطلق بلکه به شیوه‌ای جدی به یکی از رهبران موثر جنبش کورد نه تنها از دید کوردها بلکه از نگاه ایرانیان نیز تبدیل ساخت، البته در فضای رقابتی کوردستان به دلیل تنوع احزاب و اینکه هر کدام بخش و شیوه‌ای از نگرش به مسئله کورد را نمایندگی می‌کردند، این امکان از قاسملو گرفته شده بود که رهبر بلامنازع جنبش حق طلبانه‌ی کوردستان باشد، اما نکته‌ی قابل تأمل این است که بسیار بودند کسانی که تنها به دلیل اینکه قاسملو دبیرکل حزب دموکرات بود پیشمرگ (پیشمرگه) شده بودند و خود را پیشمرگ (پیشمرگه‌ی) قاسملو می‌خواندند نه حزب دموکرات، که این نشان از عمق نفوذ کارزمای یک رهبر سیاسی می‌دهد که حتی مرگش نیز تبدیل شد به بهانه‌ی شکل‌گیری و تداوم جنبش مدنی کوردستان به شیوه‌ای که سالروز جان باختن او به کرات کوردستان را به اعتصاب عمومی کشانده است.

## ● تفاوت د. قاسملو با دیگر رهبران کورد چیست؟ تمایزی که قاسملو را از دیگر رهبران کورد جدا میکند.

فارغ از عالم بودن ایشان و بیرون آمدنشان از دانشگاه‌های اروپایی به عنوان دانشجوی و سپس استاد دانشگاه، که از ایشان چهره‌های دانشگاهی، مدرن، آبدیت و آگاه به جریان‌های اندیشه‌ی غرب ساخته بود، دو ویژگی اساسی در شخصیت قاسملو وجود داشت که باعث جذابیت ایشان در نگاه مخاطب و نهایتاً به عنوان رهبر سیاسی شده بود، یکی اینکه ایشان می‌توانست برای هر قشر، طبقه و گوناگونی اجتماعی و نسلی سخنی برای گفتن داشته و در لحظه خود را با شرایط وفق دهد، دیگر اینکه سخت‌کوشی و ساختن پل‌های ارتباطی با همه در هر فرصتی که می‌توانست به دست بیاورد، ارتباط با شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار در کوردستان، ایران و اروپا از دوران دانشجویی تا رهبری حزب دموکرات، در واقع این ویژگی رفتاری ایشان همراه با دیگر ویژگی‌های گفته شده قاسملو را تبدیل به چنان رهبری کرده بود که می‌توانست هر دشمنی را به فکر حذف آن

وآورد.

## ● چرا بعد از گذشت ۳۵ سال از ترور د. قاسملو همچنان اندیشه‌هایش بوی تازگی میدهند؟ راز جاودانگی این اندیشه‌ها چیست؟

قاسملو فرزند زمان خود بود، از موقعیت‌های تاریخی بهره‌جست تا ایده‌هایی را که می‌توانست مسئله‌ی کورد را به راه حل نهایی نزدیک کند تئوریزه کند، رهبری بود که چهارچوب گفتمانی او فقط حرف یا یک سری رفتارها و کنش سیاسی نبود، او ایدئولوژی بود که افکارش را تئوریزه کرد و تا جایی که امکان داشت در چهارچوب حزب دموکرات و کنش سیاسی در بیرون حزب عملیاتی کرد و به دیگران پیرامون خود آموخت و کادر پرورش داد، در واقع او ایدئولوگ، نظریه‌پرداز و سیاستمدار پراگماتیکی بود که کمتر مقهور شرایط شد، بلکه در حین دشواری و ناممکن بودن تصمیم، تصمیم‌هایی گرفت که بعدها در تداوم مبارزه حزب دموکرات نقش اساسی داشت. این ویژگی‌ها را در کمتر رهبر سیاسی به این جامعیت می‌توان سراغ گرفت. در واقع قاسملو و رفتار و اعتقادات او به یک راه و روش در سیاست و اندیشه ورزی سیاسی تبدیل شده است که خلاقیت محور اساسی آن است.

## ● چرا دولت اتریش نسبت به این جنایات (ترور د. قاسملو و یارانش) سکوت را پیشه کرد و تروریست‌ها را بدون هیچ دادگاهی عادلانه به ایران برگرداند؟

در واقع مناسبات بین امللی بر خلاف انتظار بر اساس منافع ما پیش نمی‌رود، متأسفانه "واقع‌گرایی" به عنوان یک نظریه در "روابط بین الملل" این امکان را برای دولت‌ها فراهم می‌کند که منافع ملی، بلند مدت و حتی مقطعی خود را بر مناسبات و ارزش‌های اخلاقی و انسانی ارجح بشمارند، در آن مقطع نیز بنا بر اسنادی که بعدها فاش شد، مناسبات تجاری و یک سری زد و بندهایی بین ایران و اتریش وجود داشته که این دولت را بر این موضوع ترور دکتر قاسملو و وجهه المصلحه قرار داده و به دلایل گفته شده بر این رویداد سرپوش گذاشته و بین منافع خود و یک موضوع انسانی منافع خود را برگزیند.

## ● چرا تا به امروز جنبش کوردستان نتوانسته پرونده ترور د. قاسملو را به جریان بیندازد؟

واقعیت این است که جنبش ملی کوردستان با مشکلات و آسیب‌های جدی دست به گریبان است، یکی از این آسیب‌ها ناتوانی این جنبش در تبدیل "مسئله کورد" به یک دغدغه‌ی جهانی است، کاری که قاسملو به شدت در حال پیگیری آن بود، این جنبش و رهبری آن نتوانسته جامعه‌ی جهانی را متقاعد کند که مشکلی اساسی به نام "مسئله کورد" وجود دارد و حل این مسئله می‌تواند به جهانی

بهرتر و ثبات بیشتر در این منطقه کمک کند، لذا اینکه ما نتوانستیم این پرونده را به جریان بیندازیم در همین چهارچوب قابل بحث است، موضوعی که اتفاقاً فقدان قاسملو باعث شد بیش از پیش این خلا احساس شود. حضور کم‌رنگ جنبش ملی دمکراتیک کوردستان در عرصه‌ی جهانی و عدم ارائه‌ی مسئله‌ی کورد به عنوان یک موضوع بین‌المللی و تبیین دلایل و عوامل آن و سپس طرح یک پروپوزال برای حل آن در مجامع سیاسی و حقوقی مشکلی است که رهبری سیاسی کورد را بایستی به طور جدی به فکر چاره اندیشی وادارد.

## ● به نظر شما اگر د. قاسملو پیشنهاد صدام را قبول میکرد (اینکه خودمختاری کوردستان را اعلام کند) آیا کوردستان شانس بیشتری برای رسیدن به مطالبات خود پیدا نمیکرد؟

رویدادهای تاریخی را باید در همان بستر تاریخی خود مورد بحث و بررسی قرار داد، قاسملو هم فرزند دوران خود بود و در همان دوران و در همان فضا مشغول کنشگری سیاسی بود، به این دلیل قضاوت در مورد این مسئله چندان آسان نیست. اما لازم است به چند نکته اشاره شود؛ یک اینکه صدام حسین برای قاسملو یک هم‌پیمان تا ابد نبود، او به خوبی می‌دانست دلیل حمایت صدام از خودمختاری کوردستان تضعیف حکومت تازه بنیان جمهوری اسلامی و ایرانیان بود، که چه بسا بعد از رفع این دشمنی به هر دلیلی کوردستان وجهه المصلحه صدام و حاکمان ایران قرار می‌گرفت، همچنانکه چند سال قبل در قرارداد 1975 الجزایر بین صدام و شاه ایران، برای جنبش ملی کوردستان عراق این اتفاق افتاد. دوم اینکه افتادن به طور کلی به دامان صدام حسینی که اکنون در نگاه ایرانیان که هنوز خون انقلاب در رگهایشان می‌جوشید قرار دادن کوردستان در برابر همه‌ی ایران انقلابی بود که حکومتش در اوج مشروعیت قرار داشت. سوم اینکه مسئله کورد به این آسانی قابل حل نیست که یک دولت متخاصم بتواند برعلیه دولت دیگر و به دلایل منافع مقطعی خود انجام دهد، فارغ از اینکه شعار اصلی حزب دموکرات در آن مقطع "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کوردستان" بود، حالا که صدام خودمختاری را به ما ارزانی کرده بود، تکلیف دموکراسی که به باور دکتر قاسملو تضمین‌کننده‌ی این خودمختاری می‌توانست باشد چه می‌شد؟ صدام که نمی‌توانست دمکراسی را به ایرانی‌ها بدهد تا خودمختاری ما تضمین شود. لذا این تصمیم در دوران خود و بر بستر شرایط تاریخی و سیاسی آن مقطع در چهارچوب نظام فکری قاسملو گرفته شده است که تا حد بسیار زیادی قابل دفاع است.

آقای محمدیانی ممنون از اینکه برای این مصاحبه وقت گذاشتید. خواهش میکنم.





## رویای ثبات یا کابوس جنگ:

# تغییرات ژئوپولیتیک در خاورمیانه ایران و اسرائیل را به کدام سمت می‌برد؟



حسام احمدی

### بخش دوم و پایان

در این رابطه میتوان گفت که مذاکرات هسته‌ای میان ایران و قدرت‌های جهانی (برجام) نیز یکی از نقاط تنش در روابط دو کشور بوده است. اسرائیل از ابتدا مخالف این توافق بود و آن را ناکافی برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌دانست. با خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و تشدید تحریم‌ها علیه ایران، تنش‌ها میان تهران و تل‌آویو نیز افزایش یافت. هر چند که دولت‌های اروپایی و چین و روسیه تلاش‌هایی برای احیای برجام داشته‌اند، اما بی‌اعتمادی میان ایران و غرب و بسیاری نیز بر این باورند که مخالفت شدید اسرائیل مانع از دستیابی به توافقی جدید شده است. از طرف دیگر، برنامه موشکی ایران جزو یکی دیگر از محورهای نگرانی کشورهای منطقه و بخصوص اسرائیل محسوب میشود. ایران با توسعه موشک‌های بالستیک دوربرد و میان‌برد، قدرت نظامی خود را افزایش داده و با در اختیار گذاشتن آن به گروه‌های نیابتی تحت حمایت خود نگرانی عمیقی برای کشورهای منطقه و بخصوص اسرائیل ایجاد کرده است که حملات پهبادی و موشکی اخیر رژیم اسلامی به خاک اسرائیل تأیید تهدیدی جدی از سوی این رژیم برای دولت و ملت اسرائیل را میکند.

در راستای تغییرات ژئوپولیتیک و ایجاد نظم نوین در خاورمیانه همانطور که قبلاً به آن اشاره شد، در سال‌های اخیر تغییرات گسترده‌ای در نظم و ژئوپولیتیک خاورمیانه به وقوع پیوسته است. جنگ‌های نیابتی در سوریه، یمن، و عراق، توافقاتی که اسرائیل با آمریکا و روابط برخی کشورهای عربی با اسرائیل، و همچنین خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و تغییر سیاست‌های خارجی واشنگتن در منطقه، همگی چشم‌انداز امنیتی و سیاسی خاورمیانه را به شدت تحت تأثیر قرار داده‌اند. در این میان، ایران و اسرائیل به عنوان دو بازیگر کلیدی، در کانون این تغییرات قرار دارند.

از یک سوی، اسرائیل با بهره‌گیری از تغییرات ژئوپولیتیک منطقه، موفق به تقویت روابط خود با برخی از کشورهای

فشارهای اقتصادی بیشتر بر رژیم و تشدید اعتراضات مردمی در داخل ایران و در کل سقوط رژیم در داخل و توسط مردم است. که این نگرش و سیاست فعلی آمریکا با نگرانیهای اسرائیل بخصوص در رابطه با احتمال دست یابی رژیم اسلامی به سلاح هسته‌ای در آینده ای نزدیک در تضاد میباشد. در پایان و با وجود تمام تغییرات که در خاورمیانه رخ داده است، میتوان گفت که آینده روابط ایران و اسرائیل همچنان پیچیده و پرابهام است. از یک سو، احتمال درگیری نظامی و تشدید تنش‌ها به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای و برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد. از سوی دیگر، فشارهای بین‌المللی و تغییرات در سیاست‌های داخلی دو کشور ممکن است زمینه‌ساز فرصت‌هایی برای دیپلماسی و کاهش تنش‌ها باشد. در نهایت، خاورمیانه میان رویای ثبات با تحقق حقوق ملی ملت‌های بدون دولت و حل مشکلات با راه حل سیاسی که گامی اساسی در راستای نهادینه کردن دمکراسی و پایان درگیری در منطقه میباشد قرار دارد که در مقابل آن ماندگاری رژیم اسلامی بعنوان عامل اصلی جنگ‌های نیابتی و گسترش تروریسم در منطقه است که منافع خود را از این طریق پیش میبرد. به همین دلیل میتوان گفت که تصمیمات استراتژیک بازیگران اصلی منطقه از یک طرف، و از طرف دیگر نگرش قدرتهای جهانی در راستای حل بحران‌هایی که در خاورمیانه وجود دارند و میتوانند بر صلح و ثبات در منطقه تأثیرگذار باشند، تعیین خواهند کرد که کابوس جنگ بر منطقه تداوم داشته باشد، یا اینکه جنگ را به کابوسی برای پایان رژیم اسلامی و استقرار صلح و ثبات در این خاورمیانه تبدیل خواهند کرد و آینده طرفین تنش‌های موجود را به کدام سمت سوق خواهند داد.

مذاکرات میباشد که برای کابینه فعلی دولت آمریکا و بسیاری از دولت‌های غربی قابل اهمیت و به عنوان امید به فرصتی دوباره برای استراتژی تغییر رفتار رژیم به آن نگریده خواهد شد.

۳/ جنگ مستقیم: این سناریو میتواند به عنوان دشوارترین حالت در رابطه با تغییرات اساسی در منطقه باشد که در آن یکی از طرفین به طور ناگهانی وارد یک جنگ مستقیم می‌شود که حملات پهبادی و موشکی ایران به اسرائیل علاوه بر وجود توافقات پشت پرده به شیوه این حملات توسط قدرتهای غربی و رژیم اسلامی، ولی با این حال انتظار میرود که پاسخ اسرائیل به این اقدام ایران میتواند آغازی برای وارد شدن به این جنگ و تغییر قواعد بازی باشد. به این معنا که این جنگ می‌تواند ناشی از حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران یا پاسخی تلافی‌جویانه به حملات نیابتی باشد که طرفین را وادار به وارد شدن به یک جنگ مستقیم و تمام عیار کند. چنین جنگی بدون شک ابعاد گسترده‌ای خواهد داشت و نه تنها ایران و اسرائیل، بلکه کل منطقه و حتی قدرتهای جهانی را نیز میتواند درگیر خود کند.

در این راستای، آنچه که به عنوان سیاست رسمی آمریکا در رابطه با تغییرات صورت گرفته در خاورمیانه نمایان میشود این است که، از یک طرف آمریکا علاوه بر پشتیبانی از اسرائیل و دادن حق دفاع مشروع به آن، بر ماندگاری جمهوری اسلامی در قدرت نیز اصرار دارد و برای آرام کردن اوضاع متشنج منطقه ضمن اینکه با آن در ارتباط بوده و هست، همچنین امید را بر تغییر رفتار این رژیم از دست نداده است. از سوی دیگر اظهارات آمریکا به آینده این تغییرات در صورت پایبند نبودن جمهوری اسلامی به خواسته‌های غرب حاکی از آن میباشد، که آمریکا نمیخواهد با نیروی نظامی وارد وضعیت نامطلوبی شود، بلکه خواهان بکارگیری

از دغدغه‌های اصلی در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. هر دو کشور تاکنون از ورود به یک جنگ مستقیم اجتناب کرده‌اند، اما حملات هوایی اسرائیل به مواضع رژیم اسلامی و محور تروریسم در منطقه و حملات سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی ایران، از جمله تاسیسات هسته‌ای، نشانه‌هایی از تقابل غیرمستقیم دو کشور هستند. با توجه به وضعیت پیچیده منطقه و تغییرات ژئوپولیتیکی که در حال وقوع است، چند سناریوی مختلف برای آینده روابط ایران و اسرائیل قابل تصور است: ۱/ تداوم وضعیت موجود (تقابل کنترل شده): در این سناریو، هر دو کشور به سیاست‌های تقابلی خود ادامه می‌دهند، اما از ورود به جنگ مستقیم اجتناب می‌کنند. ایران از طریق گروه‌های نیابتی به فعالیت‌های خود در منطقه ادامه می‌دهد و اسرائیل نیز با حملات هوایی و اقدامات سایبری سعی در مهار ایران از یک طرف و کنترل امنیت مناطق مرزی خود از طرف دیگر را دارد. این وضعیت اگرچه به بحران‌ها و تنش در منطقه پایان نمیدهد و نیز باعث ثبات پایدار نمی‌شود، اما می‌تواند از بروز یک جنگ تمام‌عیار جلوگیری کند.

۲/ دیپلماسی و کاهش تنش‌ها: در این سناریو، امکان برقراری مذاکرات مستقیم یا غیرمستقیم میان ایران و اسرائیل، به ویژه از طریق واسطه‌گری قدرتهای منطقه‌ای یا جهانی، مطرح می‌شود. این سناریو اگرچه به نظر دشوار و دور از ذهن است، اما تحولات غیرمنتظره در سیاست‌های داخلی دو کشور یا فشارهای بین‌المللی می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگوهایی برای کاهش تنش‌ها باشد. که در این رابطه و به دلیل احتمال درگیری مستقیم با جمهوری اسلامی، میتوان گفت انتخاب «مسعود پزشکیان» به عنوان رئیس‌جمهور توسط رژیم اسلامی بخشی از سیاست ایران برای مهار نگرانی‌ها از سقوط رژیم با پیشنهاد سرگرفتن دوباره

عربی، به ویژه امارات متحده عربی و بحرین، از طریق توافقاتی که با اسرائیل شده است. این توافقات نشان از تغییر در رویکرد سنتی جهان عرب نسبت به اسرائیل دارد، که به جای تمرکز بر مسئله فلسطین، به مقابله با نفوذ ایران در منطقه اولویت داده‌اند. این تحولات برای اسرائیل به منزله تقویت جایگاه منطقه‌ای‌اش در برابر ایران بوده است، اما بی‌شک نمیتواند بدون در نظر گرفتن حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین بعنوان یکی از بزرگترین ملتهای بدون دولت در خاورمیانه که در واقع مسئله اساسی پایان یا تداوم بخش اعظم از تنش‌های منطقه را دربر میگیرد، منجر به ثبات و استقرار نظم نوینی که به صلح در خاورمیانه بیانجامد باشد.

از سوی دیگر، ایران با حمایت از گروه‌های نیابتی در فلسطین، سوریه، عراق، لبنان، یمن و غیره، به دنبال تقویت نفوذ خود در منطقه و بخصوص ایجاد یک «هلال شیعی» است که از تهران تا بیروت امتداد دارد میباشد. حضور نظامی ایران در سوریه و حمایت‌های آن از گروه‌های تروریستی مانند: حماس، جهاد اسلامی، حزب‌الله، عسکالشیعی و حوثی‌های یمن و غیره، که تحت عنوان محور مقاومت اسلامی در راستای پیشبرد سیاست‌های مخرب و برنامه‌های تروریستی رژیم اسلامی فعالیت دارند، به یکی از بزرگترین نگرانی‌های امنیتی برای اسرائیل به شمار می‌آیند، که حمله ۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ و تغییرات چشمگیری که این اقدام تروریستی در منطقه تاکنون به دنبال داشته است، بیشتر از هر زمان حاکی از نقش مخرب گروه‌های عضو در محور تروریسم/مقاومت اسلامی بر امنیت اسرائیل میباشد.

در این میان و بخصوص بعد از سپری شدن یک سال از حمله ۷ اکتبر به اسرائیل، احتمال درگیری نظامی میان ایران و اسرائیل به دلیل بالا گرفتن تنش‌ها و تغییرات صورت گرفته، به یکی